

## بررسی رابطه علم و دین با محوریت آیات قرآن

سید محمد عارف حسینی (ملک‌زاده)<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از ویژگی‌های دوران معاصر توجه خاص به رابطه علم و دین است علم که بیشتر از راه تجربه به دست می‌آید، با توجه به این ویژگی دین اسلام که طبق فرمایش خداوند در قرآن بهترین دین است، با علوم جدید چگونه ارتباط دارد. این مقاله درصدد این است که قرآن نیز به صورت کلی در این موضوعات پرداخته است. به عبارت دیگر بحث از رابطه علم و دین که از سرزمین غرب سرچشمه گرفته است در بین اندیشمندان مسلمان مطرح شد است ولی نتیجه که اندیشمندان مسلمان از این بحث گرفتند غیر از نتیجه بود که اندیشمندان غرب از آن به دست آوردند و ما در این مقاله این مسئله را به صورت علمی- پژوهشی در چند موضوع نشان می‌دهیم

۱. قرآن و خلقت آسمان و زمین ۲. قرآن و خلقت انسان. ۳. قرآن و رسانه‌های نوین (با تأکید بر رسانه‌های، رادیو، تلویزیون، سینما) نتیجه اینکه در این مقاله به صورت تطبیقی به رابطه علم و دین پرداخته شده و به دست آمده است که علوم جدید که از راه تجربه به دست آمده است در این مسائل وارد شده نه تنها ضدیت با دین وجود ندارد بلکه اعجاز علمی قرآن را تایید نموده است و نشان داده شده که این موضوع در آیات متعدد و در موضوعات متعدد قرآن پرداخته است.

**کلید واژه‌ها:** رابطه علم و دین، قرآن و خلقت انسان، خلقت آسمان و زمین، قرآن و

رسانه‌های نوین.

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه مشهد مقدس.

## مقدمه

یکی از مباحث پرکاربرد در عصر حاضر رابطه علم و دین است، اندیشمندان در این زمینه مباحث گسترده‌ای را مطرح کرده‌اند. سرآغاز جدایی علم و دین از جایی به وجود آمد که اندیشمندان، نظریات کیهان‌شناسی خود را مطرح نمودند که ظاهراً با آموزه‌های کلیسا در تعارض بود. اما نزاع علم و دین در غرب را از محاکمه گالیله در قرن شانزدهم می‌دانند، اما به لحاظ تاریخی سرآغاز این منازعه را باید قبل از این جست. (قائمی‌نیک، ۱۳۸۸: ۹۷)

ضدیت با دین از قرن شانزده شروع شد و تا نیمه دوم قرن بیستم ادامه داشته و از این به بعد دانشمندان به جای ضدیت و دشمنی با دین که حتی دین را افیون انسان می‌دانستند تعامل با دین را مطرح کردند. برای حل ضدیت علم و دین اندیشمندان غربی راحل‌های مختلف را برگزیدند:

۱. حاکمیت مطلق دین بر علم؛

۲. بی‌معنا تلقی نمودن قضایای دینی؛

۳. تابعیت دین از علم؛

۴. جدایی کامل دین از حوزه علم. (ساجدی، ۱۳۸۰: ۳۰-۱۷) ولی در عالم اسلام تعارض علم و دین وجود ندارد، زیرا توجه به بستر تاریخی رشد تفکرات کلامی مسیحی نشان می‌دهد که آنچه فلاسفه دین و متکلمان مسیحی را بر آن داشته است تا چنین مواضعی اتخاذ کند و بدین راه‌حل‌ها توسل جویند تعارض‌های جدی تعلم انجیل تورات با علوم تجربی و عقل بشری است و این تعارض‌ها در قرآن وجود ندارد، زیرا قرآن از تحریف مصون مانده است. همه اندیشمندان اسلامی، هم مسلمان بودند وهم پزشک مثل ابن‌سینا هم متکلم مسلمان هم منجم مثل شیخ طوسی و... از این فهمیده می‌شود که تضاد بین علم و دین نمی‌دیدند.

سؤال اصلی که به ذهن می‌رسد این است که رابطه قرآن با علوم جدید چگونه است؟ قبل از اینکه به جواب بپردازیم لازم است که نظریات اندیشمندان را در مورد روش تفسیر علمی قرآن بدانیم. برای این منظور سه روش ذکر شده است:

۱. همه علوم در قرآن وجود دارد و اندیشمندان باید این علوم را به دست آورند. (پزشکی، ستاره‌شناسی، علوم ریاضی و...)

۲. نظریاتی که در علوم تجربی به دست می‌آید برای تأیید آن‌ها از آیات قرآن استفاده کنیم.

۳. روش سوم که مطرح شده و نظریه جدید است اینکه با نظریات جدید علم و آنچه به‌وسیله استقراء به دست آمده آیات قرآن را تبیین کنیم.

در این مورد این روش می‌نویسند در حقیقت علم در خدمت قرآن قرار بگیرد.

روش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسام مختلف است که بر اساس آن‌ها تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی از آن یاد شده است؛ اما مقصود ما در این نوشتار همان استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است یعنی منبع علوم تجربی قطعی به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۳۸)

با توجه به مطالب فوق به دست می‌آید که رابطه قرآن با علوم جدید به این است که علوم جدید در خدمت دین باشد که مسائل دین در قرآن بیان شده است. ما نیز در این نوشتار از این روش پیروی خواهیم کرد.

### ۱. مفهوم‌شناسی علم

برای بررسی معنای واژه علم مناسب است که به کتب لغت مراجعه کنیم. در کتاب العین آمده است: «علم، علم یعلم علماً، نقیض جهل». (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۵۲) راغب اصفهانی نیز در مفردات این گونه آن را معنا کرده است: «العِلْمُ إدْرَاكُ الشَّيْءِ بِحَقِيقَتِهِ وَ ذَلِكُ ضَرْبَانِ أَحَدُهُمَا إدْرَاكُ ذَاتِ الشَّيْءِ وَ الثَّانِي الْحُكْمُ عَلَي الشَّيْءِ بِوُجُودِ شَيْءٍ هُوَ مَوْجُودٌ لَهُ، أَوْ نَفْيِ شَيْءٍ هُوَ مَنْفَى عَنْهُ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸۰)

مصطفوی در التحقیق می‌نویسد:

علم أصل صحیح واحد يدلّ علی أثر بالشَّيْءِ یتمیز به عن غیره. من ذلك العلامة و هی معروفة یقال علّمت علی الشَّيْءِ علامة. و خرج فلان معلماً بكذا. و العلم رایة، و الجمع أعلام. و العلم: الجبل، و کلّ شیء یكون معلماً.

خلاف المجهول. و العلم: الشقّ فی الشفة العليا، الرجل أعلم و القیاس واحد، لأنّه كالعلامة بالإنسان. و العلم: نقیض الجهل، و قیاسه قیاس العلم.

و تعلّمت الشیء إذا أخذت علمه، و من الباب العالمون: و ذلک أن کلّ جنس من الخلق فهو فی نفسه معلم و علم. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۲۰۵)

دهخدا در اثر معروف خود می‌نویسد:

یقین کردن، دریافتن، معرفت دقیق و بادلیل بر کیفیات معینه و یا حضور معلوم در نزد عالم... معرفت و هر چیزی دانسته، دانش و آگاهی و معرفت و شناسایی. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۶۰۵۲)

در اصطلاح نیز علم معادل فارسی برای واژه Science و knowledge است. واژه Science به معنی اقدام قاعده‌مند در جهت توسعه و سازماندهی هدفمند دانش است که در قالب تفسیرهای قابل آزمایش و پیش‌بینی‌هایی درباره جهان صورت می‌گیرد.

سروش برای علم چند تعریف می‌نویسد:

معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است؛ همه دانستن‌ها صرف‌نظر از نوع آن‌ها. لذا عالم کسی است که جاهل نباشد. مطابق این معنا اخلاق، ریاضیات، فقه، مذهب، دستور زبان، زیست‌شناسی و نجوم همه علم‌اند و هرکس یک یا چند مورد را بداند عالم دانسته می‌شوند. کلمه علم در معنای دوم منحصرأً به دانستنی اطلاق می‌شود که تجربه مستقیم حسی در داوری یا گردآوری‌شان دخیل باشد علم در اینجا در مقابل جهل قرار نمی‌گیرد، بلکه در برابر همه دانستنی‌های قرار می‌گیرد که آزمون‌پذیر نیستند. اخلاق، متافیزیک، عرفان، منطق، فقه و اصول همه از دایره علم به معنای دوم بیرون هستند و غیرعلمی. (سروش، ۱۳۷۹: ۲)

محمد حسین گنجی در تعریف علم می‌نویسد:

علم به معنای مافی الضمیر اندوخته‌های ذهنی عالمان. وقتی به کسی عالم اطلاق می‌کنیم یکی از معانی‌اش آن است که مافی الضمیر او و وضعیت ذهنی او و اندوخته آن با جاهل متفاوت است. در این کاربرد علم امری شخصی فردی درونی و غیرقابل داوری است. (گنجی، ۱۳۸۸: ۲۳)

با توجه به معنایی که برای علم بیان شد، واژه‌شناسان برای علم دو نوع معنا را در نظر گرفته‌اند؛ علم به معنای عام که قابل تطبیق بر هر معنایی شود که آن معنا ضد جهل قرار بگیرد. مانند عقلی، نقلی و تجربی. علوم یا علم که از راه خاص و با روش خاص

به دست آمده باشد که می‌توان این نوع علم را به علوم تجربی قابل تطبیق دانست. این نوع از علم نه تنها در مقابل جهل قرار می‌گیرد که در مقابل همه علوم که از راه غیر تجربی به دست آمده باشد نیز قرار می‌گیرد. مثل فلسفه، فقه، کلام و... آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود بررسی تطبیقی قرآن با علمی است که از راه تجربه به دست آمده باشند. یکی از موضوعات قابل بررسی در این حوزه، نحوه خلقت انسان است. نکته سوم که در تعاریف وجود داشت فرق بین علم و یقین و فرق بین علم و شعور و فرق بین علم و معرفت است.

## ۲. قرآن و خلقت انسان

یکی از مسائل که می‌توان آیات قرآن را با آن خوب فهمید مسئله خلقت انسان است خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾. (مؤمنون: ۱۴)

آنگاه از آن نطفه، لخته خونی آفریدیم و از آن لخته خون، پاره گوشتی و از آن پاره گوشت، استخوان‌ها آفریدیم و استخوان‌ها را به گوشت پوشانیدیم بار دیگر او را آفرینشی دیگر دادیم. در خور تعظیم است خداوند، آن بهترین آفرینندگان.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

یک معجزه علمی است که پرده از روی این مسئله که در آن روز برای هیچ کس روشن نبود برمی‌دارد، زیرا قرآن نمی‌گوید ما مضغه را تبدیل به استخوان و گوشت کردیم، بلکه می‌گوید ما مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و بر استخوان‌ها لباس گوشت پوشانیدیم. اشاره به اینکه مضغه نخست تبدیل به استخوان می‌شود و بعد از آن گوشت روی آن را می‌پوشاند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۴۴)

خداوند در سوره حج می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا﴾. (حج: ۵)

ای مردم، اگر از روز رستاخیز در تردید هستید، ما شما را از خاک و سپس از نطفه، آن گاه از لخته خونی و سپس از پاره‌گوشتی گاه تمام آفریده، گاه ناتمام، بیافریده‌ایم تا قدرت خود را برایتان آشکار کنیم و تا زمانی معین هر چه را خواهیم در رحم‌ها نگه می‌داریم. آن گاه شما را که کودکی هستید بیرون می‌آوریم.

در سوره غافر می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا﴾. (غافر: ۶۷)

اوست آن خدایی که شما را از خاک، سپس از نطفه، سپس از لخته خونی بیافریده است. آن گاه شما را که کودکی بودید از رحم مادر آورد تا به سن جوانی برسید و پیر شوید. در مورد خلقت انسان آیات دیگری نیز وجود دارد که از آوردن آن‌ها صرف‌نظر نموده و به تحلیل آیات ذکرشده می‌پردازیم.

### نکات آیه

۱. مراتب خلقت انسان که از مرحله گل شروع می‌شود تا تکمیل شدن بدن مادی انسان؛
  ۲. استعدادهایی که در بدن مادی انسان گذاشته می‌شود.
- نکته مهم اینکه خداوند بعد از مراحل خلقت بدن انسان به خودش تبریک می‌گوید که این ویژگی را برای خلقت موجودات دیگر به کار نمی‌گیرد.

### تحلیل و بررسی مراحل تکامل جنین در منابع پزشکی

دکتر قاسم ساکی می‌نویسد: «مراحل تکامل جنین در منابع پزشکی با آنچه در قرآن ذکرشده است، تفاوت دارد، ولی تقسیم‌بندی قرآن از دقت و ارزش علمی بالایی برخوردار است.» (ساکی، ۱۳۹۳: ۱۲)

وی واژه نطفه را این گونه معرفی می‌کند:

نطفه در زبان عربی در سه معنا به کار گرفته می‌شود؛ اشاره به تخمک لقاح یافته، اشاره به اسپرم جنس نر و اشاره به اووسیت جنس ماده. (همان: ۱۴)

و در آخر می‌نویسد:

منظور از نطفه، آمیختگی و ترکیب دو سلول جنس نر اسپرم و جنس ماده اووسیت است که در علم جنین‌شناسی تحت عنوان لقاح نامگذاری شده است. (همان: ۱۸)

این معنا را آیه ۱۳ سوره حجرات نیز تأیید می‌کند که در آنجا خلقت انسان را از یک مرد و زن متذکر می‌شود.

یکی از معانی نطفه دلالت بر اسپرم مرد دارد. آیه ۴۵ و ۴۶ سوره نجم به این معنا دلالت دارد که با توجه به این آیات به دست می‌آید که اسپرم مرد تعیین‌کننده جنسیت نوزاد و جنین خواهد شد. (همان: ۲۸)

خداوند در سوره نجم می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ \* مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ﴾. (نجم: ۴۵ و ۴۶)

و اوست که جفت‌های نر و ماده را آفریده است (۴۵) از نطفه، آن‌گاه که در رحم ریخته می‌شود. (نجم: ۴۵ و ۴۶)

شاید آیه به این معنا اشاره دارد که کروموزوم YX جفت نر و ماده است.

### چگونگی تعیین جنسیت در علم پزشکی

در علم پزشکی با آزمایش‌هایی که روی زن و مرد انجام داده‌اند به دست آمده است که منی مرد از دو نوع کروموزوم به نام XY تشکیل شده است، ولی زن یک نوع کروموزوم (X) دارد. اگر لقاح مرد و زن هر دو از نوع XX باشد نوزاد مؤنث خواهد بود، ولی اگر لقاح از ترکیب XY باشد، نوزاد مذکر خواهد بود. با توجه به آیاتی که در مورد خلقت انسان ذکر شده، معلوم می‌شود که در زمان نزول قرآن خداوند به بهترین وجه، خلقت انسان را بیان کرده و این از نشانه‌های اعجاز علمی قرآن است. به عبارت بهتر اینکه ازدواج مرد و زن باعث تولد نوزاد می‌شود. این شکل‌گیری نوزاد یا همان جنین نیز از یک جفت به وجود می‌آید XX در مورد نوزاد دختر و XY در مورد نوزاد پسر.

### ۳. قرآن و خلقت زمین و آسمان

مورد دوم که قرآن به آن اشاره نموده است، نحوه خلقت آسمان و زمین است. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾. (اعراف: ۵۴)

در حقیقت پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می‌طلبید می‌پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان.

### نکات آیه

۱. خلقت آسمان و زمین در شش روز یا شش دوره؛
۲. خدانشناسی در آیه و بیان کردن نشانه‌های خدانشناسی مثل گردش شب و روز. تبیین اعجاز علمی قرآن که همه این موجودات از یک نوع شعور برخوردار است، زیرا هیچ‌وقت نظم آن‌ها در حالت گردش از بین نمی‌رود.

آیه چهارم سوره مبارکه حدید نیز به آفرینش آسمان و زمین اشاره می‌کند:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾. (حدید: ۴)

اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. هر چه را در زمین فرو رود و هر چه را از زمین بیرون آید و هر چه را از آسمان فروآید و هر چه را در آسمان بالا رود، می‌داند؛ و هر جا که باشید همراه شماست و به هر کاری که می‌کنید بیناست.

### نکات آیه

۱. آفریدن آسمان و زمین در شش روز یا شش دوره؛
۲. یادآوری روز معاد و رستخیز در زمین فرورفتن و از زمین بیرون آمدن؛
۳. عالم و ناظر بودن خداوند در همه افعال انسان‌ها.

در آیه سوم سوره یونس نیز آمده است:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾. (یونس: ۳)



پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز بیافرید. سپس به عرش پرداخت. ترتیب کارها را از روی تدبیر بداد. جز به رخصت او شفاعت کننده‌ای نباشد. این است الله پروردگار شما. او را بپرستید. چرا پند نمی‌گیرید.

### نکات آیه

۱. آفرینش آسمان و زمین در شش روز یا شش دوره؛
۲. خلقت آسمان و زمین از روی تدبیر است؛
۳. عبرت‌آموزی از نشانه‌های خداشناسی که در خلقت زمین و آسمان وجود دارد. آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد ما در اینجا به‌عنوان نمونه آیات را ذکر نمودیم، لذا به تحلیل این آیات می‌پردازیم.

### تحلیل و بررسی نحوه به وجود آمدن زمین و آسمان

آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد تفسیر این آیات چنین نتیجه‌گیری می‌کندک

از مجموع بحث فوق چنین نتیجه می‌گیریم که خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفریده است، هرچند این دوره‌ها گاهی به میلیون‌ها یا میلیارد‌ها سال بالغ شده است و علم امروز هیچ‌گونه مطلبی را که مخالف این موضوع باشد بیان نکرده است. این دوره‌های شش‌گانه محتملاً به ترتیب ذیل بوده است:

۱. روزی که همه جهان به‌صورت توده گازی شکلی بود که با گردش به دور خود از هم جدا گردید و کرات را تشکیل داد.
  ۲. این کرات تدریجاً به‌صورت توده مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت درآمدند.
  ۳. روز دیگر منظومه شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد.
  ۴. روز دیگر زمین سرد و آماده حیات گردید.
  ۵. سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند.
  ۶. سرانجام حیوانات و انسان در روی زمین ظاهر گشتند.
- آنچه درباره دوره‌های شش‌گانه آفرینش آسمان و زمین در بالا گفتیم با آیات ۸ تا ۱۱ سوره فصلت قابل تطبیق است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۰۲)

#### ۴. قرآن و رسانه‌ها

در این بخش که رابطه قرآن با علم رسانه بررسی می‌شود - چون بحث ما منحصر به رسانه‌های صوتی و تصویری است نه بحث از فضای مجازی یا رسانه‌های مکتوب مثل روزنامه‌ها، کتب، مجلات و... - لذا در اینجا ما در دو قسمت بحث خواهیم کرد.

#### قرآن و رسانه‌های تصویری (تلویزیون، سینما)

برای رسانه، تعاریف گوناگونی شده است که به چند نمونه آن در اینجا بسنده می‌شود. رسانه‌ها ابزارهای فناورانه برای انتشار پیام هستند. معمولاً به رسانه‌های چاپی (روزنامه، کتاب، مجلات) یا الکترونیکی (راديو، تلویزیون، سینما) اینترنت تقسیم می‌شود. (پاتر، ۱۳۸۵: ۸)

سواد رسانه‌ای (media-literacy) یک نوع درک مبتنی بر مهارت است که می‌توان بر اساس آن انواع رسانه را از یکدیگر تمیز داد و انواع تولیدات رسانه‌ای را از یکدیگر تفکیک کرد. (شهوندپور و سالارکيا، ۱۳۹۳: ۵۵)

تعریف دیگری که برای رسانه شده این است:

رسانه به معنی هر وسیله‌ای که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد و اکنون آنچه مصداق این تعریف است وسایلی همانند روزنامه، مجلات، راديو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، صفحات نوری، ویدئو و... است. در این تعریف باید اضافه کرد رسانه وسیله‌ای است که نقش حامل اطلاعات و پیام‌های از پیش طراحی شده را ایفا می‌کند و بین انتقال‌دهنده و گیرنده پیام که در طول زمان دچار تحول و پیشرفت گردیده است، واسطه است. (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

در این تعاریف دو نوع تعریف است؛ یکی تعریف خود رسانه که همان ابزار و وسیله انتقال پیام است. دوم تعریف سواد رسانه‌ای که پیام‌ها چگونه و با چه کیفیت این پیام‌ها ارسال می‌شود که نتیجه این نوع انتقال نوع ابزار را مشخص می‌کند. به عنوان مثال نحوه انتقال پیام در متن نوشتاری، حروف است. بر عکس تصویر ثابت که به وسیله ابزار دوربین منتقل می‌شود. در تصویر متحرک دوربین که قابلیت تصویربرداری متحرک را دارد؛ و در مجموع همه این‌ها وسیله انتقال پیام است. یکی از این ابزارها تلویزیون است.

#### یکم) اهمیت تلویزیون

امام خمینی علیه السلام:

تلویزیون از تمام رسانه‌هایی که هست حساس‌تر است. رادیو تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و می‌تواند به فساد بکشد. این را نه روزنامه می‌تواند، نه سینما می‌تواند، نه تئاتر می‌تواند، نه تبلیغات لفظی که در مناظر است می‌تواند؛ برای اینکه این‌ها همه شعاعشان محدود است. رادیو شعاعش مثل تلویزیون است، لیکن فقط سمعی است. تلویزیون هم سمع است و هم بصر. تبلیغات تلویزیون می‌تواند از راه سمع مردم را یا تربیت کند؛ یا اینکه منهدم کند. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۳۰۹)

مقام معظم رهبری:

اصل اساسی در باب اداره رادیو و تلویزیون این هدفهاست: رادیو و تلویزیون اصلاً برای ساختن انسان ناب اسلام و انقلاب است و غیر از این نیست، یعنی هیچ هدفی فراتر و بالاتر از این هدف وجود ندارد. (بیانات در دیدار با اعضای گروه تاریخ رادیو، ۷۰/۱۱/۸)

و یا به مدیران صدا و سینما تذکر می‌دهند:

صدا و سینما باید کوشش کند که مردم متدین بشوند و یکی از وظایفی که آقایان باید واقعاً به آن توجه داشته باشند این است که متدین ساز باشند، یعنی کاری کنند که شنونده یا بیننده بر اثر صحبت آنان حقیقتاً به صورت عمومی متدین بشود. (بیانات در دیدار با مسئولان صداوسینما، ۶۹/۵/۷)

بعضی از کارشناسان می‌نویسند:

آمار و ارقام مربوط به استفاده کودکان از تلویزیون بیانگر این است که در سه‌سالگی از هر سه کودک یک نفر، در پنج‌سالگی از هر پنج کودک چهار نفر و در کلاس اول از هر ده کودک، نه نفر تلویزیون تماشا می‌کنند. در سال اول تحصیل زمان متوسطی که یک کودک صرف تماشایی تلویزیون می‌کند دو ساعت در روز است. از این سال‌ها به بعد مقدار فوق در کلاس ششم و هفتم به اوج سه تا چهار ساعت می‌رسد. (اسماعیلی‌شاندیز، ۱۳۸۱: ۳۰)

## دوم) اهمیت بینایی در قرآن

خداوند در قرآن در آیات متعدد به انسان دستور می‌دهد که برای شناخت از ابزار دیدن و شنیدن استفاده کند. به عنوان نمونه در اینجا چند آیه را ذکر می‌کنیم. خداوند در سوره اعراف می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ كَالَّذِي نَزَّلْتَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسُفَّتْ أَصْفَادُهُمْ فَبَهِيمًا يُظَلُّونَ﴾ و لکن انظر إلى الجبل فإن استقر مكانه فسوف تراني فلما تجلّى ربه للجبل

جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوْلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۴۳﴾ (اعراف: ۱۴۳)

چون موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، گفت: ای پروردگار من، بنمای تا در تو نظر کنم. گفت: هرگز مرا نخواهی دید. به آن کوه بنگر، اگر بر جای خود قرار یافت، تو نیز مرا خواهی دید. چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه را خرد کرد و موسی بی‌هوش بیفتاد. چون به هوش آمد گفت: تو منزهی، به تو بازگشتم و من نخستین مؤمنانم.

### نکات آیه

۱. حضرت موسی علیه السلام از خداوند درخواست دیدن می‌کند نه درخواست درک و فهم. خداوند در پاسخ قدرت خودش را در متلاشی‌شدن کوه نشان می‌دهند که این خود یک تصویر از کوه است؛
۲. حضرت موسی علیه السلام با نگاه به یک تصویر (کوه متلاشی‌شده) به یقین می‌رسد.

خداوند در آیه دیگری چنین می‌فرماید: ﴿أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾. (اسرا: ۲۱)

بنگر که چگونه بعض‌شان را بر بعضی دیگر برتری نهاده‌ایم و در آخرت درجات و برتری‌ها، برتر و بالاتر است.

### نکات آیه

۱. امر خداوند به انسان و نگاه کردن برتری بعضی بر بعضی دیگر؛
  ۲. نتیجه گرفتن از برتری دنیایی در آخرت.
- با توجه به این دو نکته که هر دو نگاه کردن است، انسان زود به یقین می‌رسد.

در سوره روم می‌فرماید: ﴿أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَارُوا الْأَرْضِ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾. (روم: ۹)

آیا در زمین نمی‌گردند تا بنگرند که چگونه بوده است عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها می‌زیسته‌اند؟ کسانی که توانشان بیشتر بوده است و زمین را به شخم زدن زیر و رو کرده

و بیشتر از ایشان آبادش ساخته بودند و پیامبرانی با معجزه‌ها بر آن‌ها مبعوث شده بود. خدا به ایشان ستم نمی‌کرد، آنان خود به خویشتن ستم می‌کردند.

### نکات آیه

۱. امر خداوند به خواندن تاریخ گذشتگان و نگاه کردن آثاری که از آن‌ها باقی مانده است؛
۲. عبرت‌گیری انسان‌ها به وسیله نگاه کردن به آثار باقی مانده و خواندن تاریخ گذشتگان؛
۳. نگاه کردن و خواندن هر دو به وسیله چشم انجام می‌شود.

در سوره فاطر به صورت استفهام می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾. (فاطر: ۴۴)

آیا در زمین نمی‌گردند تا ببینند که عاقبت مردمی که پیش از آن‌ها بوده‌اند و نیرویی بیشتر داشته‌اند به کجا کشید؟ هیچ‌چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که خدا را ناتوان سازد. زیرا او دانا و تواناست.

### نکات آیه

۱. امر به مسافرت در روی زمین و دیدن آثار گذشتگان قدرتمند؛
۲. عبرت گرفتن به علت این مسافرت و دیدن آثار گذشتگان.

در سوره غافر می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ﴾. (غافر: ۲۱)

آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا بنگرند که عاقبت پیشینیان‌شان چگونه بوده است؟ توانایی آن‌ها و آثاری که در روی زمین پدید آورده بودند از اینان بیش بود؛ و خدا آن‌ها را به کیفر کفرشان فروگرفت و از قهر خداوندشان نگاه‌دارنده‌ای نبود.

در آیه ۸۲ از همین سوره می‌فرماید: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾. (غافر: ۸۲)

آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها می‌زیسته‌اند چگونه بوده است؟ مردمی که نیرویشان بیشتر و آثارشان در روی زمین فراوان‌تر بود. پس آن چیزها که به دست می‌آوردند سودشان نبخشید.

در سوره عنکبوت به صورت امری دستور می‌دهند: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾. (عنکبوت: ۲۰)

بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده. سپس آفرینش بازپسین را پدید می‌آورد، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

در سوره روم امر می‌کند به دیدن آن‌هایی که مشرک شده‌اند: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَان أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ﴾. (روم: ۴۲)

بگو در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت پیشینیان که بیشتریشان از مشرکان بودند چگونه بوده است.

و بالاخره برای شناخت خداوند امر به دیدن چگونگی خلقت شتر می‌کند: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ \* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ \* وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ \* وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾. (غاشیه: ۱۹-۱۷)

نمونه‌های از این دست آیات که انسان را امر به دیدن می‌کند در قرآن متعدد یافت می‌شود. امر به نگاه کردن با واژه‌های متعدد مثل واژه «نظر» و مشتقات آن، واژه «رای» و «ببصرون» در قرآن آمده است که ما از آوردن آیات دیگر خودداری می‌کنیم. سؤالی که ممکن است به ذهن برسد این است که چرا خداوند برای خدانشناسی و عبرت از گذشته از واژه‌هایی که معنای دیدن را می‌رساند استفاده کرده است؟ جوابی که به ذهن می‌رسد این است که انسان‌ها دو دسته هستند؛ یک دسته کسانی‌اند که از راه تفکر و تدبیر به خدا شناسی می‌رسند، خداوند برای اینان از واژه تفکر و تدبیر استفاده کرده است و دسته دیگر از راه دیدن و شنیدن که دیدن و شنیدن انسان را به تفکر و تدبیر دعوت

می‌کند و خداوند متعال از هر دو راه انسان را به خدانشناسی و عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان دعوت می‌کند.

### سوم) اهمیت شنیدن در قرآن

یکی از نعمت‌های خداوند برای انسان، نعمت گوش است که از جمله حس‌های پنجگانه انسان است. در قرآن نیز سفارش‌های متعددی به انسان شده که برای یادگیری و آموزش از آن استفاده کند. در عصر حاضر وسیله‌ای به نام رادیو ساخته شده که صرفاً از طریق گوش می‌توان از آن استفاده کرد. در این بخش چند نمونه از آیات قرآن آورده می‌شود که انسان امر به شنیدن شده است. خداوند در آیات متعدد امر به شنیدن می‌فرماید: ﴿قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى﴾. (طه: ۴۶)

گفت مترسید، من با شما هستم، می‌شنوم و می‌بینم.

#### نکات آیه

۱. در این آیه امر به شنیدن و دیدن می‌شویم؛
۲. شاهد ما امر به شنیدن است.

در سوره کهف می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَيْتُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدٌ﴾. (کهف: ۲۶)

بگو خداوند داناتر است که چند سال آرמידند. غیب آسمان‌ها و زمین از آن اوست. چه بیناست و چه شنواست. جز او دوستی ندارند و کس را در فرمان خود شریک نسازد.

#### نکات آیه

۱. خداوند مطابق فهم انسان خطاب به انسان می‌فرماید من بینا و شنوا هستم؛
۲. اعمال شما را من می‌بینم و می‌شنوم.

در سوره بقره آیه ۹۳ می‌فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾. (بقره: ۹۳)

و با شما پیمان بستیم و کوه طور را بر فراز سرتان گذاشتیم. اکنون آنچه را که برایتان فرستاده‌ایم با ایمان استوار بگیرید و کلام خدا را بشنوید. گفتند: شنیدیم و به کار نخواهیم

بست. بر اثر کفرشان عشق گوساله در دلشان جای گرفت. بگو: اگر بدان چه می‌گویید باور دارید، باورتان شمارا به بدکاری وا می‌دارد.

در همین سوره آیه ۱۰۴ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾. (بقره: ۱۰۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مگویید «راعتنا»، بگویید «انظرنا» و گوش فرا دارید که برای کافران عذابی است دردآور.

در سوره مائده می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهَيْهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾. (مائده: ۱۰۸)

این شیوه نزدیک‌تر به آن است که هم شهادت را بر وجه خود ادا کنند یا پس از سوگند خوردن از ردّ سوگندهایشان بترسند. از خدا بترسید؛ و گوش فرادارید. خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند.

در سوره تغابن می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ انْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. (تغابن: ۱۶)

تا توانید از خدا بترسید و گوش فرا دارید و اطاعت کنید و به سود خود از مالتان انفاق کنید؛ و آنان که از حرص نفس خویش در امان مانده‌اند رستگارند. در این بخش نیز آیات متعددی در قرآن آمده است که از آوردن آن صرف‌نظر می‌کنیم.

آنچه از مطالعات تطبیقی آیات قرآن و رسانه‌های نوین با توجه به تلویزیون، رادیو، سینما و... به دست می‌آید این است که خداوند تأکید زیادی بر دو نوع از حواس (شنیدن، دیدن) برای یادگیری دارد. از طرفی عصر حاضر که عصر انفجار رسانه‌هاست از نوع نوشتاری تا تصویر و صدا انسان‌ها برای یادگیری خود از آن استفاده می‌کند و به‌حق تصویر و صدا یکی از ابزارها فوق‌العاده برای یادگیری است.

چرا خداوند تأکید زیادی بر استفاده از قوه شنیدن و دیدن دارد؟

زیرا شنیدن و دیدن چند ویژگی مهم دارد که سایر حواس این ویژگی را ندارد. اینکه عموم مردم برای یادگیری از این دو ابزار (شنیدن و دیدن) استفاده می‌کنند و تفاوتی ندارد تحصیل کرده باشند یا غیر تحصیل کرده، ولی هر کدام به‌اندازه توانشان از این دو ابزار بهره می‌برند.



خطاب خداوند در قرآن عامه مردم است تا عموم مردم به تکامل برسند، پس سزاوار است که مخاطب استفاده از این دو ابزار عموم مردم باشد نه قشر خاصی. انسان با دیدن و شنیدن نسبت به استفاده از تفکر و تعقل زودتر به یقین می‌رسد. وقتی انسان چیزی را ببیند و بشنود نسبت به سایر ابزارهای یادگیری ماندگاری بیشتری در ذهن انسان دارد.

با توجه به این ویژگی‌ها جواب سؤال روشن است و تجربه نیز ثابت کرده که آنچه با ابزار رادیو و تلویزیون آموزش داده می‌شود تأثیر مستقیم روی افکار جامعه دارد و تأثیرگذاری خود را نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه داستان‌های قرآنی یا دینی که در قالب فیلم یا سریال پخش می‌شود در اذهان مخاطبان ماندگاری بیشتری دارد. یکی از اهداف اختراع رادیو و تلویزیون نیز همین ویژگی‌های آن است.

### نتیجه

سؤال اصلی که در مقدمه مطرح شد این بود که تعامل قرآن با علوم جدید چگونه است؟ برای اینکه نتیجه این تحقیق درست تبیین شود و درست جمع‌بندی کرده باشیم لازم است که نکته‌ای را متذکر شوم و آن اینکه یک‌وقت سؤال از این است که آیا قرآن با علوم جدید تعامل دارد یا خیر؟ در این مورد بحث برمی‌گردد به چگونگی تعامل دین با علوم جدید ولی تحقیق حاضر از اصل ارتباط قرآن با علوم جدید بحث نمی‌کند، بلکه بحث از چگونگی تعامل است. به عبارت بهتر فرض ما این است که دین و قرآن با علوم جدید ارتباط دارد حالا که تعامل دارد این تعامل چگونه است؟ بحث از چگونگی این ارتباط است. این بحث برمی‌گردد به اینکه آیا دین اسلام با علوم جدید ارتباط دارد یا نه و در صورت ارتباط چگونه ارتباط دارد؟ چگونگی تعامل قرآن با علوم جدید نیز همان بحث از ارتباط علم و دین است و از طرف دیگر برمی‌گردد به روش تفسیر علمی قرآن. اندیشمندان و مفسرین اسلامی برای تفسیر قرآن سه روش را مطرح نموده‌اند که در مقدمه به آن پرداخته شد. اندیشمندان اسلامی سه روش را مطرح نموده‌اند؛ ۱. تمام علوم در قرآن است و ما باید آن را کشف کنیم؛ ۲. نظریات جدید علمی که به وجود می‌آید برای تأیید آن از آیات قرآن استفاده کنیم. ۳. با نظریات جدید علمی آیات قرآن را تبیین کنیم و توضیح دهیم که این روش منطقی‌تر به نظر می‌رسد. لذا به سه موضوع که در

قرآن آمده است به آن اشاره کردیم که چگونه می‌شود آن آیات را با نظریات قطعی علم تبیین نمود. این موارد عبارت بودند از:

۱. نحوه خلقت انسان و مراحل رشد نطفه با توجه به نظریات جنین‌شناسی پزشکی؛
  ۲. نحوه خلقت آسمان و زمین و نظریات علمی خلقت زمین و آسمان که از گاز به وجود آمده و در سوره فصلت خداوند می‌فرماید از دود آفریده شده است؛
  ۳. قرآن و رسانه‌های نوین (رادیو، تلویزیون، سینما).
- در پایان می‌توان این پرسش را مطرح نمود که با توجه به آیات قرآن حکیم که ما مسلمانان را امر به دیدن و شنیدن می‌کند تا چه اندازه در این عرصه فعال هستیم؟

## منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- احمدزاده کرمانی، روح‌الله (۱۳۹۰)، *بازاندیشی در فرهنگ و رسانه*، تهران: چاپار.
- اسماعیلی شاندریز، محمدرضا (۱۳۹۰)، «*تلویزیون در زندگی کودکان ما*»، علوم تربیتی، ش ۸.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷)، *آیین انقلاب اسلامی*، گزیده‌ای از اندیشه و آرا، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲)، *برگزیده تفسیر نمونه*، ج ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- پاتر، جیمز (۱۳۸۵)، «*تعریف سواد رسانه‌ای*»، ترجمه لیدا کاووسی. رسانه، ش ۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، ج ۱۰، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت / دمشق: دارالعلم / الدار الشامیه.

- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن (منطق تفسیر قرآن)، ج ۱، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۰)، «روش‌های حل تعارض علم و دین»، معرفت، ش ۵۱.
- ساکی، قاسم (۱۳۹۳)، جنین‌شناسی پزشکی با استناد به آیات قرآن و روایات، تهران: انتشارات خسروی.
- سروش عبدالکریم (۱۳۷۹)، علم چیست؟ فلسفه چیست؟، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۹۰)، نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.
- شهوندپور، راضیه و حمیدرضا سالار کیا (۱۳۹۴)، «قرآن و سواد رسانه‌ای با تأکید بر خبر و خبرنگاری»، کتاب و سنت، ش ۵.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، قم: هجرت.
- قائمی نیک، محمدرضا (۱۳۸۸)، «نظریه‌ها و آرا در باب نسبیت علم و دین»، راهبرد فرهنگ، ش ۶.
- گنجی، محمدحسین (۱۳۸۸)، کلیات فلسفه، قم: سمت.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

